

شیوه تدریس؛ زنده، زیبا و حساس

۲۵ تیرماه شصت و دومین سالگرد درگذشت حبیب‌الله سمعی، نوازنده برجسته سنتور است. با همین انگیزه بر آن هستیم تا در این مقاله به دو موضوع بپردازیم که البته این دو موضوع سخت به هم درآمیخته‌اند، یکی حبیب سمعی و دیگر سنتور. در آمیختگی دو موضوع مورد توجه ما در اینجا به دلیل نقش و جایگاه بالای هنری حبیب سمعی در حیات و تداوم حضور ساز سنتور در فرهنگ موسیقی ایرانی است. در اینجا ابتدا از حبیب سمعی سخن خواهیم گفت و سپس از ساز سنتور و در پایان به نسبت این دو با هم خواهیم رسید. موقیعت سنتور در این زمان، یعنی ۶۲ سال پس از درگذشت حبیب سمعی را مورد بررسی اجمالی قرار خواهیم داد.

حبیب... سمعی متولد ۱۲۸۴ هـ ش در تهران، در سال ۱۳۲۵ درگذشت. او نوازنده بلندمرتبه ساز سنتور و برجسته‌ترین نوازنده این ساز در عصر خود، فرزند بزرگ خانواده سمعی بود. پدر حبیب، ملقب به سماع حضور خود نوازنده ساز سنتور و ضرب و یکی از مشهورترین استادان موسیقی در دوره قاجار به حساب می‌آمد. پدر بزرگ حبیب سمعی، میرزا غلامحسین از نوازنده‌های ساز کمانچه بود که خود در ساخت ساز کمانچه تبحر داشت. حبیب سمعی در خانواده‌ای به دنیا آمد که موسیقی در آن خانواده ریشه داشت و می‌توان گفت کودکی حبیب با صدای ساز استادان برجسته موسیقی همواره همراه بود.

سماع حضور نسبت به تعلیم موسیقی به فرزند ارشد خود یعنی حبیب، اهتمام بسیار داشت. حبیب در سنین کودکی و نوجوانی همپای سنتور پدرش ضرب می‌گرفت. استاد نورعلی برومند، در این باره گفته است: «به یاد دارم که هر وقت سماع حضور به خانه ما می‌آمد، پسر کوچکی را که در آن زمان ۱۵ ساله بود همراه می‌آورد. من ۵ سال بیشتر نداشتم و حبیب ۱۵ ساله در کنار سنتور پدرش ضرب می‌گرفت.»

بدین ترتیب می‌توان گفت که حبیب از طریق پدرش با ساز ضرب و مساله وزن در موسیقی ایرانی آشنا می‌شود و می‌تواند به گونه‌ای این ساز را بنوازد که پدرش نواختن فرزند را در کنار خود خالی از نقص بداند و در مجالس استادان و محافل آشنایان موسیقی با وی به اجرا بنشیند. این مساله که نوازنده‌ای در حضور استادان رخصت نوازندگی داشته باشد خود امر مهمی است و باز مهمتر این که نوازنده یا خواننده‌ای قابلیت اجرا همراه استادان زمان خود و در حضور سایر استادان را نیز داشته باشد امری بسیار مهم در مجالس موسیقی آن زمان بوده است.

سماع حضور، فرزندش حبیب را با ساز سنتور آشنا کرد و همه کوشش خود را در تعلیم او به کار برد. «گویند وقتی وی سازش را با نوازندگان معروف زمان هم کوک می‌کرد، هنرش مورد شگفتی شنوندگان بود... هنگامی که حبیب کوچک مشغول نواختن بود پدرش مضراب سنتور را به انگشتان نوازنده خردسال می‌زد و اشتباهاتش را تذکر می‌داد... می‌گفت باید آقدر سعی کند تا خوب بنوازد زیرا اوست که تنها یادگار پدر خواهد بود.»

باری حبیب به این کیفیت سینه به سینه موسیقی را از پدرش فرا می‌گیرد و می‌گویند در دوازده سیزده سالگی نواختن وی کاملا شنیدنی بوده است و استادان او را تحسین می‌نموده‌اند.

پس آموزش حبیب سمعی نزد پدرش از طریق ساز ضرب و ساز سنتور صورت گرفت. این انتقال هنر از پدر به فرزند چند ویژگی مهم داشت. اول آنکه معلم، خود استادی برجسته بود و دیگر آنکه موسیقی و همه جوانب آن کاملا به صورت سینه به سینه منتقل می‌شد و حبیب خود به طور مستقیم از مظهر چشمه هنر پدرش می‌نوشت. خود سماع حضور هم به همین طریق سینه به سینه و حضوری مکتب استادان خود را درک کرده بود و بی‌شک این روش انتقال در هنر موسیقی ایرانی تأثیر مستقیمی در نوازندگی حبیب داشت.

حبیب سمعی البته بسیاری از استادان زمان خویش را دیده و در حضور آنها نواخته و در مجالس ایشان از کودکی حاضر بوده است. همین مساله یعنی شنیدن موسیقی از استادان مسلم آن، در محافل و مجالس، در آموزش و دست یابی به حالت‌ها و مسائل کیفی موسیقی بسیار مهم است. تأثیر این مجالس را در هنر حبیب سمعی

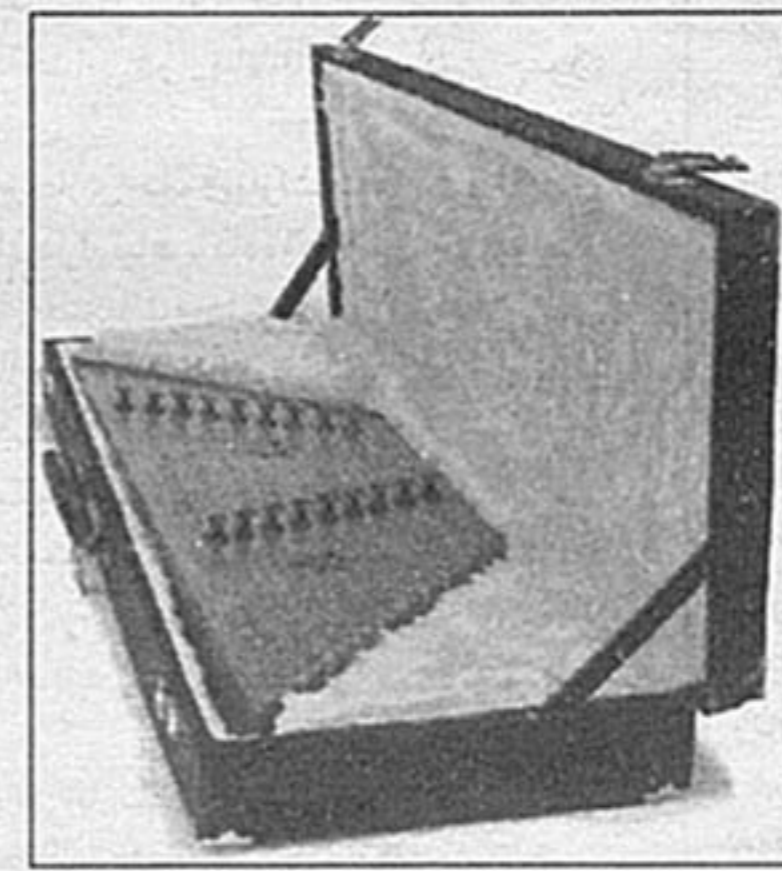
چه به عنوان شنونده و چه به عنوان نوازنده، در بالا بردن توانایی‌های هنری او به هیچ وجه نمی‌توان نادیده گرفت.

تمامی این شرایط یعنی خانواده، محیط هنری مجالسی که حبیب در آنها حضور داشت، روش آموزش سینه به سینه و مقام بالای معلم حبیب، یعنی پدرش، در شکل‌گیری شخصیت هنری وی تأثیر مستقیم داشته‌اند.

در نهایت اگر بخواهیم از میزان تسلط و مقام هنری حبیب سخن بگوییم به جاست که این سخن را از نور علی برومند که خود استاد مسلم موسیقی ایرانی و از شاگردان و معاشران حبیب سمعی است نقل کنیم. وی می‌گوید: «هر وقت در مجلسی گفته می‌شد حبیب هم هست، یعنی که مجلس با شکوهی است... او در یک شب یک بار بیشتر ساز نمی‌زد و هر بار نواختن ساز او سه ربع ساعت طول می‌کشید. این که برایتان می‌گویم افسانه یا قصه نیست، در زمان نواختن حبیب، اشخاص به هر حالتی که بودند باقی می‌ماندند و یک حرکت ساده نیز نمی‌کردند. بارها شاهد بودم که اگر کسی دست بر زیر چانه گذاشته بود، در همه مدت به همین حالت باقی می‌ماند... بیشتر خواننده‌ها جرأت نمی‌کردند در زمان زدن او آواز بخوانند. یک بار خواننده‌ای در مجلس او شروع به خواندن کرد، حبیب که نمی‌خواست او بخواند چنان سازی نواخت که خواننده بی‌اختیار دهان را بست.»

شاگردان

حبیب سمعی در آموزش و تعلیم شاگرد شیوه‌ای خاص داشت. «شیوه تدریس حبیب زنده‌تر، زیباتر و حساس‌تر از سبک‌های دیگر بود زیرا ردیف مدونی را تدریس نمی‌کرد. هر بار هنگام تدریس می‌آفرید و می‌آموخت. با این روش کار تدریس را برای خود دشوار می‌کرد و برای شاگردانش دشوارتر، حبیب شاگردانی را که احساس می‌کرد می‌خواهد موسیقی را به شیوه عامه‌پسند بکشاند با تندی از مکتب خود می‌راند.» وی از الگو یا طرح درس مشخص یا از پیش تعیین شده‌ای پیروی نمی‌کرد. در هر جلسه آنچه را که اقتضای حالش بود درس می‌داد و این کار را برای شاگرد بسیار دشوار می‌کرد. شاگردان نمی‌توانستند زیاد با او دوام بیاورند و پراکنده می‌شدند. با این حال، آنهایی که می‌ماندند و با او کار می‌کردند گاه دیگر به



سبب فراگیری سنتور به حضورش نمی‌رفتند بلکه بیشتر به دلیل دوستی‌شان با وی در منزلش حضور می‌یافتند. گرچه در ظاهر این شیوه کار حبیب نمی‌توانست نتایج قابل توجهی به همراه داشته باشد، اما در عمل شاگردان اندک او چنان موسیقی حبیب سمعی را درک کردند که بعدها در حیات‌ساز سنتور و مکتب حبیب سمعی تأثیر فراوان گذاشتند. نورعلی برومند در این باره گفته است: «اکثرا [شاگردان حبیب] بیش از ۷ ماه دوام نمی‌آوردند و شاگردان ۷ ماهی حبیب نمی‌توانند مدعی شاگردی او باشند.» نور علی برومند، قباد ظفر، مرتضی عبدالرسولی، مهدی ناظمی و البته ابوالحسن صبا از دوستان و شاگردان حبیب سمعی بودند. برومند، بمدت ۱۲ سال با حبیب بود و تمام مضراب‌گذاری‌های شیوه حبیب را از وی در این مدت آموخت.

او که خود نوازنده تار و استاد این ساز و استاد ردیف به حساب می‌آید بعدها در دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس می‌پردازد و همزمان در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی از بدو تاسیس آن فعالیت می‌کند و طی این مدت شاگردانی را تعلیم می‌دهد که همگی در حال حاضر از برجسته‌ترین موسیقیدانان عصر ما هستند.

در ساز سنتور که موضوع این مقاله است، مجید کیانی، از شاگردان استاد برومند در زمان

ماست که او نیز هشت سال از محضر این استاد سینه به سینه مکتب و شیوه سنتور نوازی حبیب سمعی را فرا گرفته است.

مرحوم قباد ظفر و مرحوم مرتضی عبدالرسولی هم البته نوازندگان حرفه‌ای سنتور نبودند اما با شیوه و مکتب حبیب آشنایی بسیار دقیق داشتند. مرتضی عبدالرسولی که خوشنویس هم بود پس از درگذشت حبیب دست به ساز نبرد و قباد ظفر هم چون یک مهندس معمار برجسته بود بیشتر به فعالیت‌های دیگر می‌پرداخت. اما برخی از نوازندگان سنتور این دو شاگرد حبیب سمعی را در زمان حیاتشان یافته و نزد آنها به ارائه کار پرداختند و اجرایی‌های چند از ایشان را ضبط کردند.

مرحوم مهدی ناظمی، که بیشتر او را به عنوان برجسته‌ترین سازنده ساز سنتور می‌شناسند نیز شاگرد حبیب بود و به دلایلی چند پیش از نوازندگی، به ساخت این ساز رو می‌آورد. ساخت سنتور در زمان حیات حبیب سمعی از رونق افتاده و رو به فراموشی می‌رفت. بیشتر سنتورها یا قدیمی بودند و یا کیفیت مطلوب را نداشتند. این حبیب سمعی بود که شاگرد و دوست خود مهدی ناظمی را در ساخت سنتور و رسیدن به صدایی مطلوب در آن راهنمایی می‌کرد و ناظمی نیز با جدیت و حوصله مثال زدنی و پشتکار فراوان تا سالها پس از درگذشت حبیب به ساخت سنتور ادامه داد و بهترین سنتورها را در دوره معاصر ساخت.

و اما ابوالحسن خان صبا نیز توانست در محضر حبیب سمعی با سبک و شیوه او آشنا شود و با توجه به آنکه خود نوازنده سه‌تار، آگاه به موسیقی ایرانی و شاگرد استادان قدیمی از جمله علی اکبر شاهی بود، موفق شد دوره ردیف سنتور را تهیه و مکتوب کند که در آن بیشتر مضراب‌گذاری‌ها با توجه به شیوه حبیب سمعی ثبت شده‌اند و قطعاتی چند از چهار مضراب‌های حبیب نیز در این کتاب به ثبت رسیده‌اند. صبا در محضر حبیب نشست و آنچه را که توانست، از خود حبیب و برخی از شاگردان حبیب گردآوری و به نت درآورد. مرحوم حسین صبا در مجله موسیقی مخصوص صبا درباره این ردیف مکتوب می‌نویسد: «آواز سه‌گانه را به گونه تدریس مرحوم سمعی و آواز شور را از روی ردیف میرزا حسینقلی و مضراب‌هایی از حبیب تنظیم نمود و در اسفند ۱۳۲۸ موفق شد نخستین ردیف سنتور را منتشر نماید.»

سپس کتاب ردیف دوم را که شامل آوازهای بیات‌تُرک، ابوعطا، افشاری و دشتی است، نوشت که در ابتدای هر آواز چهار مضرابی بر مبنای پایه‌های قدیمی سنتور آمده است که ملودی‌های آنها را خود صبا تهیه کرد که به غیر از چهار مضراب‌های ابوعطا و حجاز که در صفحه مرحوم حبیب و پروانه ضبط بود. از کتاب سوم فقط دستگاه چهارگاه از سمعی است و متعلق به تکنیک سنتور است و همایون نیز از یکی از شاگردان قدیمی مرحوم حبیب گرفته شده، دیگر آواز اصفهان که تا حدودی ملودی‌های مرحوم سمعی در آن به چشم می‌خورد و همچنین ماهور در کتاب چهارم که بیشتر بوی سه‌تار استاد [صبا] را می‌دهد تا سنتور.»

حبیب سمعی در تیر ماه ۱۳۲۵ پس از طی یک دوره بیماری درگذشت و در ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. اما پس از او ساز سنتور نسبت به زمان حیات وی وضعیتی بسیار متفاوت پیدا کرده بود. حبیب سمعی شاید هیچ آینده‌نگری خاصی برای وضعیت ساز سنتور و نوازندگی آن نداشت یا دست‌کم برنامه مشخصی برای تداوم هنری آن ساز نریخته بود.

او فقط کار خودش را می‌کرد، البته از وضعیت نامطلوب موسیقی در زمان خود ناخشنود بود و گاه اعتراض‌های تندی به مسئولان رادیو می‌کرد. اما به‌طور کلی بیشتر به همان نوازندگی در محفل دوستان و یا در منزل خود می‌پرداخت.

شاگردان حبیب به خصوص مرحوم برومند و صبا، هر کدام به نوعی شیوه حبیب را تداوم دادند به‌طوری که امروز یکی از قدیمی‌ترین ردیف‌های مکتوب همان ردیف سنتور صبا در چهار جلد است. حاصل ۱۲ سال شاگردی و دوستی مرحوم برومند با حبیب سمعی نیز بعدها، سالها پس از درگذشت حبیب، در دانشگاه تهران و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی به کسی منتقل شد که شیفته صدای سنتور سمعی بود، یعنی مجید کیانی که به مدت ۸ سال در محضر استاد برومند مضراب‌های حبیب سمعی

را فرا گرفت و سپس خود در دانشگاه تهران و کلاسهای خصوصی درس ردیف که به‌طور پیوسته از سال ۱۳۵۸ تاکنون در ایران تداوم داشته، به انتقال سینه به سینه آنها پرداخت. حبیب سمعی تمایل نداشت که اجراهایش ضبط شوند و هرچند در زمان حیات او ضبط روی نوارهای مغناطیسی نیز در رادیو رایج بود، از وی هیچ نوار ضبط شده‌ای باقی نمانده است. اما پنج صفحه از او به یادگاری مانده است که حبیب در آنها همراه با آواز پروانه سنتور نواخته است. این ضبط‌ها در همان زمان طرفداران فراوان داشتند و بسیار مشهور بودند. البته اکنون هم موجودند و به عنوان نمونه‌های مهم و عالی از اجرای این ساز سخت مورد توجه شاگردان مکتب سمعی است. صفحه‌ها عبارتند از:

- ۱- گریلی و ضربی شهناز
- ۲- تصنیف بیات اصفهان و رباعی
- ۳- آواز شور و شهناز
- ۴- آواز ابوعطا و حجاز
- ۵- آواز ماهور و ابوالجپ

برخی از آثار حبیب سمعی با محور قرار دادن شیوه وی در سنتور نوازی که در واقع در تداوم شیوه استادان قدیمی این ساز است توسط مجید کیانی ضبط و منتشر شده‌اند. «ضربی‌های حبیب سمعی» شامل بیست قطعه چهار مضراب و قطعه ضربی، در دستگاه‌های شور، سه‌گانه، همایون و ماهور، و همچنین «گذری در شیوه سنتور نوازی حبیب سمعی» از آن جمله‌اند. در این گونه آثار «هدف گذشته‌گرایی و سنت پرستی، تقلید یا بازسازی آثار حبیب سمعی نیست بلکه می‌خواهیم شیوه‌ای از فرهنگ موسیقی خود را بازایابیم. حبیب سمعی را به عنوان انکاره این فرهنگ ارج می‌نهیم و شیوایش را نیک می‌پنداریم» هفت دستگاه موسیقی ایران - ردیف میرزا عبدا... با اجرای

مجید کیانی به شیوه سنتور نوازی حبیب سمعی نیز در حال حاضر تنها ردیف ضبط شده سنتور با این شیوه است که شخصیت و هویت ساز سنتور و شیوه حبیب سمعی همراه با یکی از مهم‌ترین و معتبرترین ردیف‌های موسیقی ایرانی از طریق آن در اختیارمان قرار دارد. «... از آنجا که... اصل [ردیف] با تکنیک‌ها، حالات صدایی، و امکانات تار و سه تار تطابق دارد، در اجرای آن با سنتور لازم است تا با تکنیک‌ها، حالات صدایی، و امکانات سنتور تنظیم و ارائه شود والا به گونه‌ای تار نوازی با سنتور تبدیل خواهد شد.»

در مورد حبیب سمعی، پس از درگذشت وی کتابهایی نوشته شد. «حبیب سمعی» نوشته ارفع اطرائی و «شناخت موسیقی حبیب سمعی» نوشته مجید کیانی از آن جمله‌اند. ضمناً مقالات و مصاحبه‌هایی توسط هنرمندان و نوازندگان و محققان مختلف طی این سالها در کتاب‌ها و نشریات مختلف به چاپ رسید که همگی آنها گرچه مدون نشده‌اند اما امروز در دسترس هستند.

اگرچه سبک و شیوه سنتور نوازی حبیب سمعی امروز در آموزش سنتور و نوازندگی آن به‌طور فراگیر دیده نمی‌شود اما این به



* شیوه تدریس حبیب سمعی زنده‌تر، زیباتر و حساس‌تر از سبک‌های دیگر بود، زیرا ردیف مدونی را تدریس نمی‌کرد. هر بار هنگام تدریس می‌آفرید و می‌آموخت

* نورعلی برومند، قباد ظفر، مرتضی عبدالرسولی، مهدی ناظمی و البته ابوالحسن صبا، از دوستان و شاگردان حبیب سمعی بودند

هیچ‌وجه به معنی نابودی این سبک و شیوه نیست. مهمترین مسئله در مورد شیوه سنتور نوازی حبیب سمعی اکنون این است که این سبک همچنان به همان شکل کاملاً شفاهی و سینه به سینه تداوم یافته و زنده مانده است و انکارشدنی هم نیست. برای حفظ آن مسئله آموزش سینه به سینه، ضبط آثار به صورت صوتی و تصویری، تهیه کتاب، مقاله، برگزاری کنفرانس، کنسرت‌های پژوهشی و... کاملاً جدی گرفته شده‌اند؛ در نتیجه امروز در سراسر ایران ده‌ها معلم سنتور با جدیت و کوشش فراوان به دور از همه گرفتاری‌ها و مباحث بازار کنونی موسیقی به فعالیت مشغول هستند و صداها شاگرد را تحت تعلیم قرار داده‌اند.

شیوه و سبک سنتور نوازی حبیب سمعی دارای یک پشتوانه عمیق فرهنگی است و با تحقیق می‌توان تداوم آن را از پنج نسل استادان قبل از حبیب سمعی تا زمان وی نشان داد. ۱۲ درضمن در دوره کنونی تداوم‌دهندگان این شیوه از تمام امکانات موجود و فن‌آوری مدرن بهره می‌گیرند و به گسترش این شیوه می‌پردازند. سخت‌کوشی و جدیت در آموزش و یادگیری و بهره‌گیری هوشمندانه و هوشیارانه از فن‌آوری از جمله ویژگی‌هایی است که سبب تداوم و حیات سبک حبیب سمعی شده است. به این ترتیب می‌توان گفت اگر این شیوه به همین صورت و با رعایت کردن اصول و مبانی آموزش و کمک گرفتن از تمام امکانات موجود به راه خود ادامه دهد، آینده‌ای بسیار روشن در انتظار ساز سنتور و در نتیجه بخش مهمی از موسیقی ایرانی خواهد بود.

- پی‌نویس‌ها:
۱. زندگی و آثار حبیب سمعی - ارفع اطرائی، پارت چاپ اول، بهار ۷۱، ص ۱۰ و ۱۱.
 ۲. «صبا گفت حبیب سمعی اعراب‌بند است»، مصاحبه نورعلی برومند بمناسبت سی‌امین سال درگذشت حبیب سمعی استاد سنتور، کیهان ۲۲ تیر ۱۳۵۴، شماره ۱۵۰۵.
 ۳. شناخت موسیقی (۳)، حبیب سمعی، مجید کیانی، مؤسسه فرهنگی سروستا، ۱۳۷۵، ص ۲۷ و ۲۸.
 ۴. رجوع به ۲.
 ۵. گذری در شیوه سنتور نوازی حبیب سمعی، مجید کیانی، (لوح فشرده) برگرفته از توضیحات ضمیمه.
 ۶. رجوع به ۲.
 ۷. همان، ص ۱۲۷.
 ۸. همان، ص ۱۲۸.
 ۹. تاریخ تحول ضبط در ایران، ساسان سپنتا، ص ۲۱۳، انتشارات نیما، ۱۳۶۶.
 ۱۰. گذری در شیوه سنتور نوازی حبیب سمعی، مجید کیانی، (لوح فشرده) برگرفته از توضیحات ضمیمه.
 ۱۱. ردیف میرزا عبدالله برای سنتور براساس اجرای مجید کیانی، آوانگاری شهاب منا، مؤسسه فرهنگی - هنری ماهور، ۱۳۸۴.
 ۱۲. شناخت موسیقی (۳) حبیب سمعی، مجید کیانی مؤسسه فرهنگی سروستا، ۱۳۷۵، ص ۵۲.